

### متن پرسش

با سلام و عرض ادب محضر استاد بزرگوار: مطلبی که می‌خواهم با شما در میان بگذارم در واقع یک پیشنهاد برآمده از نقد عملکرد گروه مخلص لب المیزان و از عملکرد حضرتعالی به عنوان راهبر گروه، در این چند سال اخیر است که البته روی گشاده شما دلمایه جسارت ابراز آن است. مایه امتنان است که بنده را به عنوان کوچکترین عضو همکار گروه لب المیزان بخاطر آورید که ما بین سالهای ۸۸ تا ۹۰ افتخار نمونه خوانی برخی از کتابهای شما را قبل از تایید نهایی حضرتعالی داشتم و تحت نظر استادم جناب آقا مرتضی توکلی عزیز خدمتی ناچیز داشتم. آن ایام در ناحیه آماده سازی و نشر وزین مطالب ایفاد شده شما در سالهای گذشته شور و شوقی هم در گروه و افراد متصل به آن و هم در مخاطبان منتظر کتاب احساس می‌شد که به نظرم یکی از معذات آن شور و اشتیاق، اهتمام خود شما به این امر بود اما به نظر می‌رسد در این چند سال اخیر آن اهتمام که موتور اصلی حرکت مخلصانه دوستان بود، از تکاپو افتاده و امیدوارم این تحلیل مطابق با واقع نباشد که به نوعی روزمرگی در رسیدگی به پرسش و پاسخهای معمول و مکرر رسیده ایم که وقت ارزشمند شما را بیش از اندازه گرفته و در مقایسه با پدیده مبارک و موثر «کتاب» از تاثیر کمتری برخوردار است و مخاطبان اندیشه های بلندی که شما مروج آن هستید، از فوائد مترتب بر کتاب که منجر به خلوت و تفکر ریشه ای و نفوذ فکری و فرهنگی همه جانبه و راسخ در دل‌هایشان هست، محروم می‌مانند و آفت دیگر اینکه با عادت کردن به رفع نیازهای موردی و مقطعی با پرسش و پاسخ، آن حوصله مطالعه همه جانبه موضوعات لابلای کتاب‌ها و استماع نوارها یا شرکت در جلسات را از دست می‌دهند و به آن نتیجه مطلوب در فعالیت فرهنگی عرضه شده بار نمی‌یابند. البته منکر اقتضا و ضرورت حداقلی شیوه پرسش و پاسخ در سابت و برخی فوائد آن نیستم اما این اندازه را هم زیاده ارزیابی می‌کنم. بنابراین ضمن عذرخواهی از تاکید بر کاستی‌هایی که به نظر قاصر رسیده، پیشنهاد می‌کنم از بار زمان بر اموراتی چون رسیدگی به پرسش و پاسخها بکاهید و بر اهتمام به تدوین کتاب بیفزایید. بنده هم به عنوان کوچکترین خادم در کنار دوستان بزرگوار گروه، آماده همکاری هستم. وفقکم الله فی طریق السداد گوشه چشم بگردان و \_\_\_\_\_قدر گردان ما که \_\_\_\_\_ستیم در این دایره ی سرگردان؟! دور گ\_\_\_\_\_ردید و به ما جرات مستی نرسید چه بگ\_\_\_\_\_وییم به این ساقی ساغر گردان این دعایبست که رندی به من آموخته است بار \_\_\_\_\_ را نه بیفزا! نه سبکتر گردان! غنچه ای را که به پژمرده شدن محکومست تا ش\_\_\_\_\_کوفتا نشده بشکن و پریر گردان من کجا بیشتر از حق خودم خواسته ام؟ مرگ \_\_\_\_\_ق است به من حق مرا برگردان! یا علی

باسمه تعالی: سلام علیکم: فدای شما شوم که چه دلسوزانه متذکر نکات اساسی شده‌اید! آری! آن‌چه از طریق کتاب می‌توان ظهور داد، هرگز از طریق سؤال و جواب نمی‌توان ارائه کرد و همین‌طور که به درستی فرموده‌اید این عادت خطرناکی است که افراد بخواهند با پرسش و پاسخ‌ها جواب نیاز عمیق معرفتی خود را بدهند. ولی فراموش نشود که ما در مقطعی قرار داریم که باید فرهنگ‌سازی کنیم و از طریق جواب‌دادن به سؤال‌ها، افقی که افراد در پیش رو دارند را متذکر شویم. از طرفی در آخرین کتابی که تحت عنوان «امام خمینی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه «و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه» در قسمت آخر کتاب تحت عنوان «انقلاب اسلامی و وظیفه‌ای که در پیش رو داریم» عرایضی برای تفکر درازمدت، خدمت عزیزان شده است با این فکر که *إن شاء الله* عزیزان طالب مسائل عمیق معرفتی بتوانند مدتی تغذیه شوند. و کتابی نیز در تبیین همان مطالب در دست تهیه هست که *إن شاء الله* عرضه خواهد شد. این جدای از مباحث قرآنی و شرح نگاه عرفانی حضرت امام خمینی است که نیاز امروز جامعه‌ی ما است. موفق باشید